

ORIGINAL ARTICLE

Analysis of the semantic field of "Hope" in the Holy Quran (A reading based on structural semantics)

Erfan Chehri

PhD student in Quran and Hadith Sciences, Holy Quran University of Sciences and Education, Qom, Iran.

Correspondence:
Erfan Chehri
Email:
erfanchehri4585@gmail.com

Received: 24 Nov 2025
Accepted: 04 Mar 2026

How to cite

Chehri, E. (2026). Analysis of the semantic field of "Hope" in the Holy Quran (A reading based on structural semantics). *Journal of Qur'anic Interpretation and Language*, 14(1), 131-144. (DOI:10.30473/quran.2026.76636.3500)

ABSTRACT

The present study, using a descriptive-analytical method and within the theoretical framework of structural semantics, focuses on the ideas of Toshihiko Izutsu (1914-1993), and analyzes the lexical field of "hope and hope" in the Holy Quran. By focusing on the structural relationships of the word "raja" with six other key words ("amal", "tama", "tamanni", "omnieh", "raqeb" and "so'l") and by utilizing the axes of coexistence, substitution, and opposition - the semantic network governing this field has been systematically outlined. The research findings show that these words are located in a hierarchical horizon, with "raja" as the focal and balanced concept, "raqeb" as the underlying origin, and other words as positive, negative, or declarative poles around it. The fundamental achievement of this research is the discovery of a structural pattern of the relationships between these concepts and the explanation of the wise precision of their application in the scope of revelation, which provides a model for similar studies in the field of Quranic semantics.

KEYWORDS

Holy Quran, raja, Toshihiko Izutsu, semantic field, Structural Semantics.

پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن

سال چهاردهم، شماره اول، پیاپی بیست و هفتم، پاییز و زمستان ۱۴۰۴ (۱۴۴-۱۳۱)

DOI: 10.30473/quran.2026.76636.3500

«مقاله پژوهشی»

تحلیل میدان معنایی «امید و رجاء» در قرآن کریم (خوانشی بر اساس معناشناسی ساختاری)

عرفان چهری

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران.

نویسنده مسئول:

عرفان چهری

رایانامه: erfanchehri4585@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۱۳

استناد به این مقاله:

چهری، عرفان. تحلیل میدان معنایی «امید و رجاء» در قرآن کریم (خوانشی بر اساس معناشناسی ساختاری). پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۱۴(۱)، ۱۳۱-۱۴۴.

(DOI:10.30473/quran.2026.76636.3500)

چکیده

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و در چهارچوب نظری معناشناسی ساختاری، با محوریت آرای توشی هیکو ایزوتسو (Toshihiko Izutsu) (۱۹۱۴-۱۹۹۳م)، به تحلیل میدان معنایی «امید و رجاء» در قرآن کریم پرداخته است. در گام نخست، با بهره‌گیری از سه محور هم‌نشینی، جانشینی و تقابل، پیوستگی هفت واژه کلیدی «رَجَاء»، «طَمَع»، «أَمَل»، «تَمَنَّى»، «أُمْنِيَه»، «رَغَب» و «سُؤْل» در قالب یک میدان معنایی واحد اثبات گردیده است. در گام بعدی، مؤلفه‌های معنایی هر یک از این واژگان با تکیه بر روابط ساختاری آن‌ها تحلیل و جایگاه اختصاصی هر واژه در این شبکه تبیین شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد این واژگان در یک نظام سلسله‌مراتبی قرار دارند که «رَجَاء» به عنوان مفهوم کانونی و نقطه تعادل، «رَغَب» به عنوان میل زیرساختی و منشأ همه آرزوها، و سایر واژگان به عنوان قطب‌های مثبت، منفی یا اظهاری در پیرامون آن عمل می‌کنند. دستاورد بنیادین این تحقیق، کشف الگویی ساختاری از روابط این مفاهیم و تبیین دقت حکیمانه کاربرست آن‌ها در گستره وحی است، که الگویی برای مطالعات مشابه در حوزه معناشناسی قرآن ارائه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی

قرآن کریم، رجاء، توشی هیکو ایزوتسو، میدان معنایی، معناشناسی ساختاری.



۱. مقدمه

قرآن کریم کتاب آسمانی مسلمانان دربردارنده مهم‌ترین عناصر محتوایی، بیانی و بلاغی است که علاوه بر تعلیم فوق‌العاده و حیات‌بخش برای زندگی انسان‌ها، مجموعه‌ای بی‌نظیر و چندبعدی از علوم مختلف عقلی و نقلی را به عرصه ظهور درآورده است. طبیعتاً در میان این علوم، مطالب بلاغی و لغوی جایگاه ویژه‌ای دارند؛ چراکه هم فهم صحیح و دقیق کلام الهی و هم دستیابی به جنبه‌های اعجازآمیز کلام وحی به آنان وابسته است.

در این میان، علم معناشناسی که از ابتدای قرن بیستم در مطالعات آکادمیک مطرح شد، به عنوان یکی از شاخه‌های علم زبان‌شناسی به بررسی علمی معنا می‌پردازد (قائمی‌نیا، ۱۳۹۹: ۱۴). توجه به روابط مفهومی واژگان با یکدیگر اهمیت فراوانی در این علم دارد و دانشمندان آن معتقدند برای دستیابی به شناختی دقیق از معنای یک واژه باید آن را با توجه به روابط درونی میان عناصر زبان مورد بررسی قرار داد (باقری، ۱۳۷۴: ۲۹۶). ایزوتسو که به عنوان اولین نفر از این علم برای کشف معانی قرآن بهره برد، معتقد است واژگان قرآنی باید در بستر میدان معنایی خود، در کل قرآن بررسی شوند و با کشف روابط موجود در این نظام معنایی، به زوایای مختلف معانی آن‌ها دست یافت (ایزوتسو، ۱۳۷۳: ۲۶-۲۵).

در آیات قرآن کریم، واژگانی یافت می‌شود که بار معنایی «امید و آرزو» را در خود جای داده‌اند. پرسش اساسی آن است که آیا این واژگان صرفاً مترادف‌هایی برای یک مفهوم واحدند، یا هریک با دارا بودن مؤلفه‌های معنایی متمایز، جایگاهی خاص در یک شبکه منسجم ایفا می‌کنند؟ به بیان دقیق‌تر، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که: آیا هفت واژه «رَجَاء»، «طَمَع»، «أَمَل»، «تَمَنَّى»، «أُمْنِيَّة»، «رَغَب» و «سُؤْل» یک میدان معنایی به هم پیوسته در قرآن کریم تشکیل می‌دهند؟ و در صورت اثبات این پیوستگی، هریک چه مؤلفه‌های معنایی و چه جایگاهی در این شبکه دارند؟

۲. پیشینه پژوهش

در حوزه مطالعات معناشناسی مفاهیم قرآنی، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته که در ادامه، برخی از این آثار معرفی و تحلیل می‌شوند: مقاله «معناشناسی واژه «رجاء» در قرآن با تکیه بر روابط همنشینی و جانشینی» (رهبری و رستمیان، ۱۴۰۴) به صورت ویژه به تحلیل این واژه پرداخته و روابط همنشینی (مانند: «رحمة»)، جانشینی (مانند: «لعل») و تقابل‌های معنایی آن (مانند: «یأس») را بررسی کرده است. این تحقیق اگرچه گامی اساسی در تبیین معنای

«رجاء» برداشته، اما تمرکز آن بر یک واژه به صورت منفرد، باعث غفلت از تحلیل جایگاه این واژه در یک منظومه معنایی گسترده‌تر شده است. مقالاتی همچون «معناشناسی واژه‌های امانی و اُمْنیه در بافتار آیات قرآن کریم» (زینلی‌بهزادان، ۱۳۹۹) و «واژه‌شناسی طمع از منظر قرآن و روایات» (فرزام و مهدوی، ۱۳۹۶) نیز هریک به صورت مجزاً، به بررسی یکی از واژگان مرتبط پرداخته‌اند. نقطه ضعف مشترک این دسته از پژوهش‌ها، پراکندگی و عدم ارائه نقشه جامعی از روابط هم‌زمان این واژگان در یک دستگاه معنایی واحد است.

با وجود ارزشمندی پژوهش‌های پیشین، هیچ‌یک به تحلیل تطبیقی نظام‌مند همه واژگان کلیدی حوزه «امید و رجاء» در قرآن نپرداخته‌اند. نقطه مشترک این پژوهش‌ها، مفروض گرفتن پیوستگی واژگان و تمرکز بر تحلیل جداگانه آن‌ها بدون اثبات نظام‌مند روابط میان‌شان است. پژوهش حاضر با پذیرش دستاوردهای پژوهش‌های پیشین، در گام نخست بر اساس معیارهای معناشناسی ساختاری (همنشینی، جانشینی و تقابل) به اثبات این پیوستگی می‌پردازد و در گام بعدی، جایگاه هر واژه را در شبکه حاصل تحلیل می‌کند. بدین ترتیب، رویکرد معناشناسی ساختاری (به ویژه با تکیه بر روش‌شناسی ایزوتسو) با تأکید بر تحلیل روابط درونی واژگان در یک میدان معنایی، چارچوبی نوین برای مواجهه با این دسته از مفاهیم قرآن فراهم می‌آورد. نوآوری این نوشتار، نه صرفاً در ترسیم نقشه این شبکه، که در اجرای روش‌مند و گام‌به‌گام چارچوب ایزوتسو برای نخستین بار بر روی این حوزه معنایی خاص است، تا از رهگذر آن، ساختار پنهان روابط این مفاهیم در کلام وحی آشکار گردد.

۳. روش تحقیق

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و در چارچوب معناشناسی ساختاری (با تأکید بر آرای توشی‌هیکو ایزوتسو) انجام شده است. واحد تحلیل در این پژوهش، روابط بین واژگان است، نه خود واژگان به صورت منفرد.

فرآیند تحقیق:

۱. تعیین میدان واژگانی: میدان مفهومی «امید و رجاء» شامل ۷ واژه بر اساس قربت معنایی و اشتراک در حوزه مفهومی در یک بخش مجزاً تعیین شد.

۲. تحلیل ساختاری: برای تحلیل این میدان، از سه محور اصلی استفاده شد:

محور همنشینی: تحلیل هم‌آیندی‌های ثابت هر واژه در آیات قرآن

مانند آیه ۹ زمر است. این اشتراک در متعلق، پیوند معنایی این دو واژه را در یک حوزه مفهومی واحد تقویت می‌کند.

۴-۱-۳ پیوند «تَمَنَّى» و «أَمْنِيَه» با «أَمَل» از طریق تقابل با «عمل»

واژگان «تَمَنَّى» و «أَمَانِيَه» در آیاتی مانند آیه ۱۲۳ نساء: «لَيْسَ بِأَمَانِيَكُمْ وَلَا أَمَانِيَّ أَهْلُ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ...» در تقابل صریح با «عمل» قرار گرفته‌اند. این تقابل با مفهوم «أَمَل» نیز مرتبط است؛ زیرا در آیه سوم حجر: «ذَرَهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ»، «أَمَل» به عنوان عامل غفلت از انجام اعمال خیر و یاد آخرت معرفی شده است. این اشتراک در تقابل با عمل یا محرک عمل، هم‌سویی این واژگان را در یک میدان نشان می‌دهد.

۴-۲ شواهد جانشینی

منابع لغوی و تفسیری، به وضوح امکان جانشینی برخی از این واژگان را با یکدیگر تأیید می‌کنند که نشان‌دهنده قرابت معنایی آن‌هاست:

۴-۲-۱ جانشینی «طَمَعَ»، «رَجَاء»، «أَمَل» و «سُئِلَ»
مفسران در تبیین آیاتی مانند آیه ۵۱ شعراء، واژه «نَطَمَعُ» را به «تَرَجُّوا» و «نَأْمَلُ» معنا کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۶: ۳-۴/۳۶۲). هم‌چنین «سُئِلَ» به امید و آرزو تفسیر و معنا شده است (همان، ۷-۱۶/۸). این مسئله نشان‌دهنده نزدیکی معنایی این واژگان در بافت‌های ممدوح است.

۴-۲-۲ جانشینی «تَمَنَّى» و «أَمَل»

در تعریف لغوی «تَمَنَّى» آمده است: «لَتَمَنَّى تَشَهَّى حَاصِلِ الْأَمْرِ الْمَرْغُوبِ فِيهِ» (ابن منظور، ۱۴۱۳ ق: ۲۰۳/۱۳). این تعریف، «تَمَنَّى» را به «أَمَل» (آرزو) و «رَغْب» (میل) پیوند می‌دهد و جایگاه آن را در این شبکه تثبیت می‌کند.

۴-۳ شواهد تقابل

تقابل‌های مشترک میان این واژگان، یکی دیگر از دلایل اثبات پیوستگی آن‌ها در یک میدان معنایی است:

۴-۳-۱ تقابل با «يَأْسُ»

واژه «رَجَاء» تقابل بنیادین با «يَأْسُ» (ناامیدی) دارد (یوسف: ۸۷). این تقابل در مورد «طَمَعَ» نیز صادق است، چنان‌که «طَمَعَ» را ضد «يَأْسُ» دانسته‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۳ ق: ۲۰۱/۸).

محور جانشینی: بررسی امکان جایگزینی واژگان در بافت‌های مختلف

محور تقابل: تحلیل تقابل‌های معنایی برای تعیین مرزهای معنایی

۳. ترسیم شبکه: در نهایت، شبکه روابط معنایی بین این واژگان ترسیم و ساختار حاکم بر این میدان تبیین گردید.

۴. تعیین حدود میدان معنایی «امید و رجاء» (اثبات)

پیوستگی واژگان

بر اساس روش‌شناسی ایزوتسو، نخستین گام در تحلیل یک میدان معنایی، اثبات وجود رابطه و پیوستگی میان واژگان مفروض است. بدون این اثبات، هرگونه تحلیل جداگانه واژگان، فاقد اعتبار روش‌شناختی خواهد بود. در این بخش، با بهره‌گیری از سه محور اصلی تحلیل ساختاری، نشان داده می‌شود که هفت واژه «رَجَاء»، «طَمَعَ»، «أَمَل»، «تَمَنَّى»، «أَمْنِيَه»، «رَغْب» و «سُئِلَ» یک شبکه معنایی به هم پیوسته را در قرآن کریم تشکیل می‌دهند.

۴-۱ شواهد هم‌نشینی

اگرچه همه این واژگان به صورت مستقیم در کنار یکدیگر نیامده‌اند، اما بررسی پیوندهای هم‌نشینی غیرمستقیم، ارتباط آن‌ها را اثبات می‌کند. مهم‌ترین این شواهد عبارتند از:

۴-۱-۱ پیوند «رَغْب» و «رَجَاء» از طریق «رَهَب»

واژه «رَغْب» در آیه ۹۰ سورة انبیاء: «...وَيَدْعُونَا رَغْبًا وَرَهَبًا...» در تقابل مستقیم با «رَهَب» (ترس) قرار گرفته است. از سوی دیگر، مهم‌ترین هم‌نشین «رَجَاء» در قرآن، مفهوم «خوف» است، مانند آیه ۹ زمر: «...يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَ يَرْجُو الْآخِرَةَ رَغْبًا...». این پیوند دوگانه (رَغْب-رَهَب) و (رَجَاء-خوف) نشان‌دهنده ارتباط معنایی وثیق میان «رَغْب» (به عنوان میل و اشتیاق) و «رَجَاء» (به عنوان امید متعادل) از رهگذر تقابل مشترک با مفهوم ترس در واژگان «رَهَب» و «خوف» است.

۴-۱-۲ پیوند «طَمَعَ» و «رَجَاء» از طریق مفاهیم مشترک

واژه «طَمَعَ» در کاربرد ممدوح خود مانند آیه ۵۱ شعراء: «إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا...» و ۸۴ مائده: «...وَنَطْمَعُ أَنْ يَدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ» با مفاهیمی چون «مغفرت» و «دخول در جنت» هم‌نشین می‌شود که دقیقاً متعلق «رَجَاء» در آیات مشابه

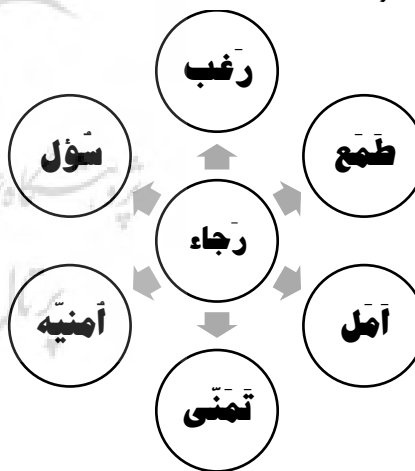
۴-۳-۲ تقابل با «عمل» و «حقیقت»

همان‌گونه که گذشت، «تَمَنّی» و «أَمَانِی» در تقابل با «عمل» (نساء: ۱۲۳) و «بُرْهَان» (بقره: ۱۱۱) قرار می‌گیرند. این تقابل با ماهیت «أَمَل» مذموم نیز که موجب «غفلت از عمل» است، همخوانی دارد.

نتیجه: با استناد به شواهد سه‌گانه فوق (همنشینی‌های غیرمستقیم، جانشینی در تفاسیر، و تقابل‌های مشترک)، اثبات می‌شود که هفت واژه مذکور، یک «میدان معنایی» به هم پیوسته را شکل می‌دهند. بنابراین، تحلیل ساختاری آن‌ها در کنار یکدیگر، نه یک انتخاب دلخواه و تصادفی، بلکه ضرورتی روش‌شناختی برای کشف نظام معنایی حاکم بر این حوزه مفهومی در قرآن است.

۵. تحلیل میدان واژگانی «امید و رجاء»

در این بخش، با بهره‌گیری از سه محور همنشینی، جانشینی و تقابل، به تحلیل ساختاری تک‌تک واژگان میدان پرداخته می‌شود. توالی بحث بر اساس جایگاه مفهومی واژگان تنظیم شده است: ابتدا «رَجَاء» به عنوان کانون و نقطه تعادل، سپس «رَغْب» به عنوان منشأ و زیرساخت میدان، و پس از آن سایر واژگان (طمع، امل، تمنی، امانیه، سؤل) که هر یک در قطب‌های مثبت، منفی یا اظهاری پیرامون آن جای گرفته‌اند.



۵-۱ «رَجَاء»

۵-۱-۱ مؤلفه‌های معنایی پایه

ریشه این واژه در کتاب «العین»، «رجو» (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۱۷۶/۶) و در کتاب «مقایس اللغة»، «رجی» بیان شده است و به معنای امید و آرزوست (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۴۹۴/۲). برخی هم رجاء را ظن و گمان قوی به وقوع خیری ممکن‌الحصول در آینده که اقتضای رسیدن به شادی در آن هست می‌دانند (راغب‌اصفهانی،

۱۴۱۲ق: ۳۴۶). علت معنای تأخیر در این واژه نیز به همین جهت است؛ زیرا امید و آرزو و انتظار خیر طبیعتاً مربوط به آینده و ملازم با صبر و تحمل و تأخیر زمانی است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۸۰/۴).

در نگاه دینی هم، «رجاء» چشمداشت به وقوع امری محبوب است که مؤمن آن را با امیدی خاص، از درگاه لطف و عنایت الهی توقع دارد، لذا در دعای کمیل مشاهده می‌شود که حضرت امیر(ع) به درگاه پروردگار عرضه می‌دارد: «إِرحم من رَأْس مَالِهِ الرَّجَاءُ» (قمی، ۱۳۸۱: ۱۳۷)؛ یعنی رحم کن بر کسی که تمام دارایی و سرمایه او امید به توست.

از مطالب مطرح‌شده، سه مؤلفه بنیادین برای «رَجَاء» قابل استخراج است: امکان تحقق (در مقابل محالات)، تعلق به خیر(نه شر)، و آینده‌محوری(نه گذشته یا حال).

۵-۱-۲ تحلیل معناشناسی ساختاری «رَجَاء» با توجه به نظریه ایزوتسو

۵-۱-۲-۱ تحلیل مبتنی بر محور همنشینی

مهم‌ترین و پربسامدترین همشین «رَجَاء» در قرآن کریم، مفهوم «خوف» (و مشتقات آن) است. این همنشینی در آیات متعددی از جمله آیه ۵۷ اسراء: «...يَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ...» (یعنی به رحمت خدا امید دارند و از عذاب خدا می‌ترسند) به چشم می‌خورد. برخی از مفسرین معاصر، همیشینی «يَرْجُوا» با «يَحْذَرُ» در آیه ۹ زمر: «...يَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ...» (یا کسی که در اوقات شب در حال سجده و ایستاده به عبادت مشغول است و از آخرت می‌ترسد و امیدوار رحمت پروردگار خویش است مانند از خدا بی‌خبران است؟) را سبب ایجاد نوعی تقابل معنایی متعادل‌کننده دانسته‌اند که مؤلفه «میان‌روی و اعتدال» را برای «رَجَاء» به ارمغان می‌آورد. بدین معنا که «رَجَاء» در قرآن، نه امیدی بی‌پرواست که انسان را از مسئولیت‌ها و عواقب اعمال غافل کند، و نه چنان با ترس آمیخته که به نومیدی و انفعال بینجامد. بلکه امیدی است متعادل و مسئولانه که در سایه ترس از آخرت (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) و در بستر عبادت و خشوع (قَانِتٌ، سَاجِدٌ، قَائِمٌ) معنا می‌یابد (ر.ک: جوادی‌آملی، ۱۳۸۷: ۴۶-۴۲). در آیه ۵۶ اعراف هم که در سیاقی از بیم و امید(پس از توصیف عذاب و پیش از بیان رحمت) قرار دارد، فضایی از «رَجَاء» را پس از «خوف» ترسیم می‌کند. در ذیل این آیات، بر ضرورت توأمانی بیم و امید(خوف و رجاء) برای مؤمن تأکید شده است (ر.ک: مکارم، ۱۳۷۱: ۲۱۱/۶).

۲-۲-۵ تحلیل معناشناسی ساختاری «رغب» با توجه به نظریه ایزوتسو

۱-۲-۲-۵ تحلیل مبتنی بر محور همنشینی

همنشینی این واژه با حروف جرّ «إلى» و «عن» در آیات قرآن، جهت‌دار بودن این میل شدید را نشان می‌دهد. در آیات «إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ» (توبه: ۵۹) و «وَإِلَى رَبِّكَ فَارْغَب» (شرح: ۸)، همنشینی با «إلى» بر جهت‌گیری مثبت و رو به خدا دلالت دارد. در این کاربردها، رغب به عنوان نیروی محرک مثبت و جهت‌یافته به سوی خدا معنا می‌یابد. در مقابل، در آیه «وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ» (بقره: ۱۳۰)، همنشینی با «عن» بیانگر جهت‌گیری منفی و اعراض از حق است. این گونه همنشینی‌ها می‌تواند مؤید آن باشد که «رَغِبَتْ» به خودی خود فاقد بار ارزشی ثابت است و این متعلق آن است که ارزش مثبت یا منفی به آن می‌بخشد.

۵-۲-۴ جایگاه در میدان واژگانی

«رغب» در سلسله‌مراتب این شبکه، در جایگاهی مادرگونه و زیرساختی قرار دارد. این واژه نه خود یک آرزو، بلکه میل و اشتیاق نفسانی شدیدی است که زمینه‌ساز شکل‌گیری همه آرزوها- از «أمل» و «طمع» گرفته تا «رجاء»- می‌باشد. این موقعیت، آن را از همه واژگان دیگر این میدان متمایز می‌سازد، زیرا وقتی انسان به یک چیز رغب پیدا کند آرزومند آن هم خواهد شد. دلیل این مطلب هم تعریفی است که قبلاً در بخش چهارم از واژه تمنی بیان شد. در تعریف مذکور چیزی که مورد رغب و علاقه است، متعلق برای تمنی و آرزوی انسان قرار گرفته است. این تعریف نشان می‌دهد «رغب» پیش‌فرض و بستر تحقق «تمنی» و به تبع آن، دیگر آرزوهاست.

۵-۳-۳ «طمع»

۵-۳-۱ مؤلفه‌های معنایی پایه

طمع در لغت به معنای تمایل نفس به چیزی همراه با آزمندی و اشتیاق شدید است (ابن منظور، ۱۴۱۳ق: ۲۰۱/۸) و در مواردی به کار می‌رود که وقوع شیء مورد انتظار نزدیک باشد (فیومی، ۱۴۰۵ق: ۲۲). شاید به همین جهت، طمع به معنای امیدواری قوی برای دستیابی به یک شیء معنا شده است (رک: ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۴۲۵/۳). برخی هم بر «نفسانی بودن» این تمایل تأکید نموده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۵۲۴)، از این رو بر خلاف امل و رجا در مذمت نیز کاربرد دارد (عسکری، ۱۴۰۰ق: ۲۳۹). با توجه به مطالب ذکر شده مهم‌ترین مؤلفه‌های طمع عبارتند از: شدت اشتیاق، فوریت زمانی، و منشأ نفسانی.

۵-۲-۲-۵ تحلیل مبتنی بر محور جانشینی

«رغب» به دلیل داشتن جایگاه وجودشناختی متفاوت خود (میل پایه‌ای و زیرساختی)، قابلیت جانشینی مستقیم با هیچ یک از واژگان دیگر این میدان را ندارد، یعنی امکان ندارد بتوان «أرجو»، «أطمع» یا «أتمنى» را با «أرغب» جایگزین کرد، بدون آنکه ساختار معنایی جمله دگرگون شود. دلیل این عدم جانشینی آن است که «رغب» به منزله موتور محرک است، درحالی که سایر واژگان، اشکال و مراتب گوناگون آرزو هستند که از این موتور نیرو می‌گیرند. این عدم قابلیت جانشینی، خود گواهی بر صحت تحلیل جایگاه بنیادین این واژه است.

۵-۲-۲-۳ تحلیل مبتنی بر محور تقابل

تقابل اصلی و ذاتی «رغب»، «رهب» (ترس و هراس) است که این تقابل کلیدی در آیه «...وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا...» (انبیاء: ۹۰) به وضوح نمایان شده و در آثار لغویان و مفسران نیز بازتاب یافته است (طبرسی، ۱۳۷۶: ۱-۲/۳۹۷). برخی هم رغب و رهب را مصدر و به ترتیب به معنای طمع و خوف دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۳۱۶/۱۴). از این تقابل، مؤلفه «انگیزشی بودن» برای رغب قابل استخراج است؛ یعنی رغب همانند ترس، یک نیروی محرک اولیه است که انسان را به سمت چیزی سوق می‌دهد یا از چیزی باز می‌دارد.

۵-۳-۲ تحلیل معناشناسی ساختاری «طمع» با توجه به نظریه ایزوتسو

۵-۳-۱ تحلیل مبتنی بر محور همنشینی

بررسی همنشینی‌های «طمع» در قرآن، مؤلفه دیگری را نیز برای این واژه آشکار می‌سازد: بار ارزشی دوگانه. این واژه در دو دسته از آیات، با مفاهیم کاملاً متفاوتی هم‌نشین شده است: الف) طمع ممدوح (همنشینی با مفاهیم مثبت): در آیات مربوط به انبیا، این واژه در کنار مفاهیمی چون «مغفرت» و «دخول در جنت» قرار گرفته است: مانند آیات ۸۴ مائده و ۵۱ شعراء که در این سیاق‌ها، طمع به معنای اشتیاقی شدید و مبتنی بر ایمان است که جهت‌گیری الهی دارد.

۵-۳-۲-۴ جایگاه در میدان واژگانی

«طَمَع» در شبکه معنایی رجاء، به عنوان واژه‌ای دوسویه و محتمل‌الخیر و الشَّرّ شناخته می‌شود که از یک‌سو با «رجاء» پیوند دارد و در مسیر صحیح می‌تواند به امید متعالی بدل شود، و از سوی دیگر با لغزش، به سوی «اَمَل» مذموم و آزمندی‌های نفسانی گرایش می‌یابد. وجه تمایز اصلی آن از «رجاء»، شدت و فوریت، و از «اَمَل» مذموم، تأکید بر منشأ نفسانی (به جای زمان دور) است.

۵-۴ «اَمَل»

۵-۴-۱ مؤلفه‌های معنایی پایه

لغویان عموماً «اَمَل» را به معنای امید و آرزو دانسته‌اند (جوهری، ۱۴۰۴: ۱۶۲۷/۴؛ ازهری، بی‌تا: ۳۹۵/۱۵؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۲: ۴۸۵/۳). و جمع آن اَمَال است (ابن منظور، ۱۴۱۳: ۲۱۲/۱). برخی از آنان نوشته‌اند «اَمَل» به معنای انتظارداشتن است و در بیشتر استعمالات خود معنای آرزوی دراز و دوردست می‌دهد. هم‌چنین به آرزوی رسیدن به نیکی و خیری که در قلب است «اَمَل» گفته می‌شود (فیومی، ۱۴۰۵: ۲۳ و ۲۴). البته این واژه مربوط به آرزوهای ممکن است و در محالات کاربردی ندارد (جزائری، ۱۴۰۷: ۳۰). با توجه به مطالب فوق می‌توان استنباط نمود که این واژه در سیاق آیات و عبارات دیگر است که معنای ارزشی مثبت یا منفی خود را نشان می‌دهد.

۵-۴-۲ تحلیل معناشناسی ساختاری «اَمَل» با توجه به

نظریه ایزوتسو

۵-۴-۱ تحلیل مبتنی بر محور همنشینی

همنشینی‌های این واژه در قرآن، بار ارزشی متغیر آن را آشکار می‌کند:

از طرفی، همنشینی و سجع متوازی ترتیب افعال «يَا كُفُّوْا»، «يَتَمَتَّعُوْا» و «يُلْهِيْهِمْ» در آیه سوم حجر: «ذَرُوْهُمۡ يَأْكُلُوْا وَ يَتَمَتَّعُوْا وَ يُلْهِيْهِمُ الْاَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُوْنَ»، با ایجاد وزن و آهنگ خاصی که گویای تداوم و پیوستگی لهُو و لعب کافران است به خوبی نشان می‌دهد که «اَمَل» با به دوش کشیدن بار ارزشی منفی، چگونه مانند یک سرگرمی، انسان را از فکر آخرت غافل می‌سازد.

از طرف دیگر، در آیه ۴۶ کهف: «... وَ الْبَاقِيَّاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ اَمَلًا»، همنشینی با «باقیات الصالحات»، «اَمَل» را در حوزه معنایی «امید اخروی» و «عمل پایدار» قرار می‌دهد.

ب) طمع مذموم (همنشینی با مفاهیم منفی): در برخی آیات مانند: «...فَيَطْمَعُ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ...» (احزاب: ۳۲) این واژه در کنار مفاهیمی چون «مرض قلبی» ظاهر شده است. این نوع طمع ناشی از تمایل نفس به چیزی از روی آرزوی شدید و حرص و آزمندی است که سزاوار نبوده و چهره آدمی را آلوده و چرکین می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۲۴).

این تحلیل دوگانه با نظر مصطفوی همسوست که طمع را گاه نشانه عبودیت و گاه موجب ذلت می‌داند (ن.ک: مصطفوی، ۱۳۷۴: ۱۱۸/۷ و ۱۱۹/۷).

این نوع همنشینی دو منظوره، مؤلفه «جهت‌گیری» را برای «طمع» به اثبات می‌رساند؛ یعنی «طمع» فی‌نفسه نه خوب است و نه بد، بلکه جهت و متعلق آن است که بار ارزشی مثبت یا منفی به آن می‌بخشد.

۵-۳-۲-۳ تحلیل مبتنی بر محور جانشینی

همان‌طور که قبلاً در بخش چهارم اشاره شد، «طمع» در بافت‌های ممدوح، امکان جانشینی با «رجاء» را دارد. با این حال، این جانشینی با افزایش مؤلفه «شدت» همراه است. به بیان دیگر، «نَطْمَعُ» نسبت به «نَرْجُوا» بر اشتیاقی پرشورتر و فوری‌تر دلالت دارد. در بافت‌های مذموم نیز «طمع» با «اَمَل» قابل مقایسه است، با این تفاوت که «اَمَل» بر «بعد زمانی» (درازمدت بودن) تأکید دارد، حال آنکه «طمع» بر «شدت تمایل در لحظه حاضر» دلالت می‌کند.

۵-۳-۲-۳ تحلیل مبتنی بر محور تقابل

هر چند «طمع» ضد «یأس» دانسته شده است، اما تقابل اصلی «طمع»، «یأس» نیست، بلکه مهم‌ترین تقابل آن «قناعت» و «استغنا» (بی‌نیازی) است که محقق معاصر آن را به روشنی تبیین نموده است: «طمع تمایل نفس به چیزی است که از دست او خارج است و لذا موجب ذلت و خواری نفس می‌شود. در مقابل آن، استغنا و بی‌نیازی نفس از مردم است که موجب عزت نفس می‌شود» (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۱۱۹/۷). چنین تحلیلی نشان می‌دهد تمایز «طمع» از «رجاء» نه تنها در شدت، بلکه در جهت‌گیری نفسانی آن نیز هست. یعنی طمع مذموم همان میل به آن چیزی است که نزد دیگران است، در مقابل قناعت و استغنا. این تقابل، مؤلفه «وابستگی به غیر» را برای طمع نمایان می‌سازد.

است. این تمایز معناشناختی، جایگاه مستقل و متمایزی برای آن در شبکه واژگانی «رجاء» قائل می‌شود.

۵-۵ «تَمَنَّى»

۵-۵-۱ مؤلفه‌های معنایی پایه

مؤلف مقائیس می‌نویسد: «تَمَنَّى الانسان اَمْلٌ يُقَدَّرُه: تَمَنَّى آرزویی است که انسان آن را در ذهن خویش فرض وجود می‌کند» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۲۷۶/۵). ازهری هم گفته: «الْمَنَى بِالْيَاءِ الْقَدْرُ وَ قَدْ مَنَى اللَّهُ لَكَ مَا يَسُرُّكَ أَيْ قَدَّرَ ... التَّمَنَّى حَدِيثُ النَّفْسِ بِمَا يَكُونُ وَ لَا يَكُونُ»؛ یعنی مَنَى که در آخر آن یاء باشد [نه الف مقصوره مثل مَنَّا] به معنای فرض و تقدیر است و جمله «قَدْ مَنَى اللَّهُ لَكَ» به این معناست که خداوند آنچه را برایت موجب خوشحالی است مقدّر کند ... تَمَنَّى هم همان حدیث نفس است برای هر آن چه که تحقق یافته و یا تحقق نیافته (ازهری، بی‌تا: ۵۳۰/۱۵ و ۵۳۳). لازم به ذکر است که این واژه در آنچه دست یافتن به آن دور باشد نیز به کار می‌رود (کفوی، ۱۴۱۲ق: ۴۶۸). بنابراین با توجه به مطالب یادشده می‌توان گفت مهم‌ترین مؤلفه‌ای که تَمَنَّى را از سایر واژگان این میدان متمایز می‌کند، «تصویرسازی ذهنی» است، بی‌آنکه لزوماً تلاشی برای تحقق آن صورت گیرد.

۵-۵-۲ تحلیل معناشناسی ساختاری «تَمَنَّى» با توجه به نظریه ایزوتسو

۵-۵-۱ تحلیل مبتنی بر محور همنشینی

این واژه در آیات قرآن معمولاً در جایی استفاده شده و به آرزوهایی اشاره دارد که انسان معمولاً در کلام خود آن‌ها را با ادات «لیت» بیان می‌کند. مانند آیه: «أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّى» (نجم: ۲۴)، که مفسران، مصداق این آرزوها را «شفاعت بتان» یا «دستیابی به مال و مقام بدون تلاش» (زمخشری، ۱۴۱۵ق: ۴۲۴/۴) و یا «آرزوهای متعارفی که حاصل نخواهد شد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۳۹/۱۹) ذکر کرده‌اند. همنشینی «تَمَنَّى» با «إلقاء شیطان» در آیه ۵۲ حج: «وَ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُولٍ وَ لَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ...» نیز مؤلفه «لفظی بودن» را تقویت می‌کند، زیرا إلقاء شیطان در «امنیّه» (که اسم مصدر تَمَنَّى است) صورت می‌گیرد و این خود بر جنبه گفتاری و بیانی دلالت دارد (زمخشری، ۱۴۱۵ق: ۱۶۷/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۶: ۱-۳۷۶/۲).

این دو همنشینی متضاد، مؤلفه «سیاق محوری» را برای امل نمایان می‌سازد. یعنی امل بر خلاف رجاء که همواره بار مثبت دارد، ذاتاً خنثی است و ارزش آن را متعلق و سیاق آن تعیین می‌کند. یعنی هنگامی که متعلق آن، لذات دنیوی باشد و موجب غفلت شود، بار منفی می‌یابد (حجر: ۳) و هنگامی که متعلق آن، ثواب و رضایت الهی باشد، بار مثبت و ممدوح پیدا می‌کند (کهف: ۴۶).

۵-۴-۲ تحلیل مبتنی بر محور جانشینی

«امل» در سیاق مثبت (کهف: ۴۶) تا حدی با «رجاء» قابل جانشینی است، اما این جانشینی کامل نیست؛ چرا که تفاوت در متعلق آن است. «امل» بر «انتظار پاداش» (ثواب) دلالت دارد، درحالی‌که «رجاء» بر «امید به رحمت ذات پروردگار» تأکید می‌ورزد. این تفاوت، مراتب بالاتر معنوی رجاء را نشان می‌دهد. در سیاق منفی (حجر: ۳)، امل به هیچ وجه با رجاء قابل جایگزینی نیست.

۵-۴-۳ تحلیل مبتنی بر محور تقابل

تقابل‌های این واژه نیز تابع سیاق است:

در سیاق منفی (حجر: ۳)، تقابل اصلی آن با «يَقْظَةُ» (بیداری) و «ذِكْرُ الْآخِرَةِ» (یاد آخرت) است. این تقابل، مؤلفه «محرك غفلت» را برای این واژه نشان می‌دهد و در احادیثی چون «طُولُ الْأَمَلِ يَنْسِي الْآخِرَةَ» (کلینی، ۱۳۶۵: ۴۴/۱) به وضوح نمایان است. در سیاق مثبت (کهف: ۴۶)، تقابل آن با «زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (زینت زندگی دنیا) است. این تقابل‌پذیری متغیر، خود مؤید دیگری بر سیاق محور بودن معنای این واژه است.

۵-۴-۴ جایگاه در میدان واژگانی

«امل» در این شبکه، جایگاه «آرزوی سیاق محور» را دارد. این واژه با مؤلفه ذاتی «امتداد زمانی» و مؤلفه اکتسابی «غفلت‌آوری» (در سیاق منفی) یا «امید اخروی» (در سیاق مثبت)، از «رجاء» (که همواره مثبت و الهی است) و از «طمع» (که بر شدت و فوریت تأکید دارد) متمایز می‌شود.

در خاتمه این بخش یادآوری می‌شود که برخلاف پژوهش رهبری و رستمیان که در بخش پیشینه به آن اشاره شد و در آن «امل» را صرفاً در معنایی همسان با «رجاء» بررسی کرده‌اند، تحلیل ساختاری حاضر با تفکیک دو سیاق متفاوت قرآنی، نشان داد که «امل» واژه‌ای است با قابلیت بار ارزشی دوگانه (مثبت و منفی) که معنای نهایی آن کاملاً وابسته به متعلق و بافت آیات

۵-۲-۲ تحلیل مبتنی بر محور جانشینی

«تَمَنَّى» می‌تواند در برخی بافت‌ها با «رَجَاء» یا «أَمَل» جانشین شود. برای مثال، اگر در آیه «يَرْجُوا رَحْمَةً رَبِّهِ» (زم: ۹) واژه «يَتَمَنَّى» جایگزین گردد، معنای کلی (امیدواری) حفظ می‌شود، اما دو تغییر مهم رخ می‌دهد: نخست آنکه امید به رحمت الهی به یک «آرزوی صرف» تقلیل می‌یابد، و دوم آنکه پشتوانه عملی (قانت، ساجد، قائم) از آن حذف می‌شود. این تحلیل نشان می‌دهد جانشینی تمنی با رجاء، همواره با کاهش «مؤلفه عمل» همراه است.

۵-۲-۳ تحلیل مبتنی بر محور تقابل

مهم‌ترین تقابل «تَمَنَّى»، «عَمَل» (کنش و عمل) است. این تقابل در آیه «لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلُ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ» (نساء: ۱۲۳) به وضوح نمایان است. در این آیه، «أَمَانِي» جمع اُمنیه، هم‌خانواده تمنی در نقطه مقابل «يَعْمَل» قرار گرفته است که جذابی حوزه آرزوهای لفظی از حوزه عمل و واقعیت را نشان می‌دهد. هم‌چنین از آیه ۲۴ نجم: «أُمُّ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّى» و آیه پس از آن: «الْآخِرَةُ لَإِثْلَاقُهَا» تقابل دیگری نیز قابل برداشت است: تقابل تمنی در برابر حاکمیت فعالانه و تقدیر الهی (قَضَا و قَدْر).

۵-۲-۴ جایگاه در میدان واژگانی

«تَمَنَّى» در این شبکه، جایگاه «آرزوی اظهاری بدون پشتوانه عمل» را دارد. این واژه با مؤلفه ذاتی «تصویرسازی ذهنی» و «لفظی‌بودن»، از یک سو با «رَجَاء» (که با عمل همراه است) و از سوی دیگر با «طَمَع» (که بر شدت اشتیاق نفسانی تأکید دارد) متمایز می‌شود. در کتاب «فروق اللغات» نیز بیان شده که گستردگی دایره شمول آن نسبت به ممکن و محال، این واژه را از همه واژگان میدان (به جز اُمنیه) جدا می‌کند (جزائری، ۱۴۰۷ق: ۳۰).

۵-۲-۵ «أُمنیه/امانی»

۵-۲-۵-۱ مؤلفه‌های معنایی پایه

«أُمنیه» اسم مصدر است و از نظر ریشه‌شناسی با «تَمَنَّى» هم‌خانواده می‌باشد (فیومی، ۱۴۰۵ق: ۵۸۲). البته اصل آن اُمنویه بوده که این ثلاثی مزید و زیاده حروف، بر «ثبوت و تحقق» و مبالغه در معنا دلالت دارد (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۱۸۷/۱۱). از این رو، اُمنیه بر آرزویی دلالت می‌کند که در ذهن به صورت یک امر ثابت و جاافتاده درآمده است. در لغت به معنای آرزو (ابن فارس، ۱۴۰۴ق:

۲۷۶/۵-۲۷۷) و تلاوت و خواندن (ابن منظور، ۱۴۱۳ق: ۲۰۴/۱۳) است؛ چنان که برای جمع آن یعنی «أمانی» هم، معانی آرزوها، تلاوت‌ها و دروغ‌پردازی‌ها ذکر شده است (کفوی، ۱۴۱۲ق: ۱۸۷). در تحقیقات صورت‌گرفته معاصر چنین آمده: «واژه «امانی» همانند «تمنی» در آرزوهای ممکن و ممتنع کاربرد دارد؛ به همین جهت در آرزوها و خیالات فاسد که از نظر سنت‌های تکوینی و تشریعی الهی امکان وقوع ندارد از کلمه «امانی» استفاده می‌شود؛ ولی ماده «رجاء» در اموری به کار می‌رود که امکان وقوع داشته باشد. از طرفی «أمانی» معانی دیگری همانند تلاوت‌ها و دروغ‌پردازی‌ها نیز دارد که در واژگان مشابه دیده نمی‌شود» (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۹۸: ۳۵۸/۳).

با دقت نظر در مطالب ذکر شده می‌توان چنین استنباط نمود که مؤلفه‌های اصلی این واژه عبارتند از: «تخیل‌محوری شدیدتر» نسبت به تمنی، «دوری بیشتر از واقعیت» و «امکان استعمال در ممکن و محال».

۵-۲-۶ تحلیل معناشناسی ساختاری «أمنیه/امانی» با توجه

به نظریه ایزوتسو

۵-۲-۶-۱ تحلیل مبتنی بر محور همنشینی

مهم‌ترین همنشینی «امانی» در قرآن، قرار گرفتن در جوار واژگانی چون «يعمل» و «برهانکم» است. در آیه ۱۲۳ نساء از آنجا که آرزوهای کافران و اهل کتاب، بر اساس خیالات فاسدشان، اموری باطل و به دور از حقیقت بوده، کلمه «أمانی» به کار رفته است، نه «مَرْجَوَاتِهِمْ» (غرناطی، ۱۴۱۲ق: ۵۶۲/۱) و این همنشینی با ادات نفی «لیس» و تقابل با «يعمل»، مؤلفه «غیرعملی بودن» امانی را به روشنی نشان می‌دهد. و چون آنان خود را تافته‌ای جداافتاده و بهشت خداوند را در انحصار خود می‌دانستند، این آیه به صراحت «أمانی» (جمع اُمنیه) را در تقابل با «مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ» قرار داده است. این مسئله مؤلفه غیرعملی، غیرواقعی و انتزاعی بودن این آرزوها را آشکار می‌سازد؛ چنان که از ظاهر کلمات برخی مفسران نیز همین معنا به دست می‌آید (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۵۶۷/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۶: ۳-۱۷۶/۴). هم‌چنین در آیه ۷۸ بقره: «...لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِي»، همنشینی «امانی» با «کتاب» و «علم»، این واژه را در حوزه معنایی «تلاوت‌های نادرست» یا «آرزوهای بی‌اساس» قرار می‌دهد که نشان‌دهنده فاصله آن از حقیقت و واقعیت است.

عرب آن را تسهیل کرده و بدون همزه استعمال نموده است (زهري، بی تا: ۶۷/۱۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۳ق: ۴۳۹/۶)

در منابع تفسیری نیز سؤل به معنای مفعولی (مطلب مورد درخواست) به کار رفته که انسان آرزوی انجام شدن آن را دارد (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۶۲/۳؛ فخرالدین رازی، ۱۴۱۳ق: ۴۶/۲۲). برخی آن را به معنای آرزو و خواسته انسان دانسته اند (طبرسی، ۱۳۷۶: ۱۶/۸-۷). راغب می نویسد: «سؤل» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۳۷)؛ یعنی «سؤل» حاجت و خواسته ای است که انسان حرص و اشتیاق شدید بر آن داشته باشد.

از این تعاریف، دو مؤلفه اصلی برای «سؤل» قابل استخراج است: «شدت احتیاج و اشتیاق» و «اظهار و درخواست». تفاوت آن با سایر واژگان این میدان در مؤلفه دوم است؛ به این معنا که «سؤل» صرفاً یک آرزوی درونی نیست، بلکه خواسته ای است که به زبان آورده شده و از دیگری درخواست گردیده است.

۲-۷-۵ تحلیل معناشناسی ساختاری «سؤل» با توجه به نظریه ایزوتسو

۱-۲-۷-۵ تحلیل مبتنی بر محور همنشینی
این واژه در تنها موضع قرآنی خود «قَالَ قَدْ أُوتِيَ سُؤْلُكَ يَا مُوسَى» (طه: ۳۶)، در همنشینی با فعل «أُوتِيَ» قرار گرفته و نشان می دهد «سؤل» خواسته ای است که بیشتر و به صورت لفظی ابراز شده [منظور درخواست های حضرت موسی (ع) در آیات ۲۴-۳۵ همین سوره است] و شرایط تحقق آن فراهم، و توسط مخاطب (خداوند) برآورده گردیده است. این همنشینی ها، مؤلفه «عینیت و اظهار» را برای «سؤل» به اثبات می رساند.

۲-۲-۷-۵ تحلیل مبتنی بر محور جانشینی
«سؤل» را می توان تا حدی با «تَمَنَّى» و «أُمْنِيَه» مرتبط دانست، چرا که هر سه بر عنصر «بیان» تأکید دارند. با این حال، یک تمایز بنیادین وجود دارد: «سؤل» همواره خطاب به یک مخاطب قدرتمند (خداوند) است و انتظار پاسخ و برآورده شدن دارد، در حالی که «تَمَنَّى» می تواند یک گفتگوی با خود در قالب الفاظ باشد و لزوماً متضمن انتظار تحقق فوری نیست. همچنین «سؤل» با «رجاء» و «طمع» نیز قابل قیاس است، اما این دو واژه فاقد مؤلفه «اظهار لفظی» هستند.

۳-۲-۷-۵ تحلیل مبتنی بر محور تقابل

۵-۲-۲ تحلیل مبتنی بر محور جانشینی

«أُمْنِيَه» می تواند در بسیاری از موارد با «تَمَنَّى» جانشین شود، اما این جانشینی همواره بار معنایی «تخیل محوری شدیدتر» و «دوری بیشتر از واقعیت» را به همراه می آورد. برای مثال، در آیه «تِلْكَ أُمَانِيَهُمْ» (بقره: ۱۱۱)، اگر «تَمَنِّيَاتِهِمْ» جایگزین شود، شدت وضوح و مبالغه در غیرواقعی بودن آرزوها کمرنگ خواهد شد. از طرفی اسم مصدر بودن «امانی» بر «ثبات و رسوخ» این آرزوهای خیالی در ذهن آرزومندان دلالت دارد که با «تَمَنَّى» (که یک فعل و حالت گذراست) قابل انتقال نیست.

۵-۲-۳ تحلیل مبتنی بر محور تقابل

مهم ترین تقابل «امانی»، حقیقت و برهان است. در آیه ۱۱۱ بقره، پس از ذکر «تِلْكَ أُمَانِيَهُمْ» بلافاصله خطاب «قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ» آمده که بر خیالی و غیرمستند بودن این آرزوها صحه می گذارد. این آرزوها در نقطه مقابل «واقعیت های تکوینی» و «براهین واضحه» قرار دارند. همچنین تقابل با «عمل» در آیه ۱۲۳ نساء و تقابل با «علم» در آیه ۷۸ بقره، بر جدایی این واژه از حوزه واقعیت و معرفت تأکید می ورزد.

۵-۲-۴ جایگاه در میدان واژگانی

«أُمْنِيَه» و جمع آن «امانی» در این شبکه، به عنوان شکل مبالغه آمیز و تشدید شده «تَمَنَّى» عمل می کنند. این واژگان بر آرزوهایی دلالت دارند که از حد معمول فراتر رفته، در ذهن تثبیت شده و غالباً با وهم و خیال درآمیخته اند و با واقعیت فاصله زیادی دارند. وجه تمایز اصلی آن ها از واژه «تَمَنَّى»، مؤلفه «مبالغه و ثبات» و از واژه «رجاء»، مؤلفه «عدم امکان تحقق» (در بسیاری از کاربردها) است.

۷-۵ «سؤل»

۵-۷-۱ مؤلفه های معنایی پایه

«سؤل» در لغت به معنای خواسته و مطلب مورد درخواست است. «السؤل: ما يسأل» (فیومی، ۱۴۰۵ق: ۲۹۷) جوهری آن را در ماده «سأل» ذکر کرده و می نویسد: «السؤل و السؤل: ما يسأله الإنسان» (جوهری، ۱۴۰۴ق: ۱۷۲۳/۵). برخی لغویان آن را در ماده «سؤل» ذکر کرده، اما توجه داده اند که اصل آن، سؤل با همزه بوده است و چون همزه موجب فشار و ثقل و سنگینی در کلام بوده،

بخشش الهی روشن می‌سازد. لذا «سؤل»، اظهار آرزو و خواست قلبی است؛ ولی در معنای کلمات امل، رجاء و طمع، اظهار، نقشی ندارد.

۵-۷-۲-۴ جایگاه در میدان واژگانی

«سؤل» در این شبکه، به عنوان نمود عینی و اظهارشده یک آرزو یا نیاز درونی عمل می‌کند. این واژه حلقه اتصال میان جهان درون (یعنی آرزو) و جهان برون (یعنی اظهار و درخواست) است. وجه تمایز اصلی آن از همه واژگان دیگر، مؤلفه «اظهار لفظی به درگاه دیگری» است. یعنی «سؤل»، آرزویی است که از حوزه ذهن و قلب خارج شده، وارد حوزه کلام و ارتباط با دیگری (به ویژه خداوند) گردیده و منتظر پاسخ و تحقق است.

در خاتمه بحث، به منظور تجمیع و مقایسه نظام‌مند یافته‌های پژوهش، مؤلفه‌های معنایی واژگان مورد مطالعه به صورت خلاصه در جدول ذیل ارائه می‌شود:

تقابل «سؤل» را می‌توان در مقایسه‌ای بین دو سنخ از عطایای الهی در قرآن مشاهده کرد. از یک سو، داستان حضرت موسی (ع) در آیات ۲۴ تا ۳۵ سوره طه است که طی آن، ایشان به صورت فعّالانه و لفظی درخواست‌هایی را از خداوند مطرح می‌کنند: «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي...» و خداوند نیز مستقیماً این درخواست‌ها و سؤالات را برآورده می‌سازد: «قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى» (طه: ۳۶). از سوی دیگر، داستان حضرت مریم (س) در سوره آل عمران است که طبق آن، رزق و روزی ویژه و بدون هیچ‌گونه درخواست قبلی و به صورت بخششی غیرمنتظره (عَطِيَّةً بِلَا سُؤَالٍ) به آن حضرت عطا شده است: «...كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ» (آل عمران: ۳۷). عطا نمودن حضرت عیسی (ع) به ایشان نیز به همین کیفیت است (آل عمران: ۴۵).

این تقابل در شیوه عطا کردن خداوند، خود به خود «سؤل» (درخواست ابراز شده و برآورده شده) را در مقابل مفهوم «عطای بدون درخواست» قرار می‌دهد و جایگاه آن را در شبکه مراتب

جدول مؤلفه‌های معنایی واژگان حوزه مفهومی «امید و رجاء» در قرآن کریم					
واژه	بار ارزشی	فاصله زمانی	امکان تحقق	نیاز به اظهار لفظی	مفهوم کلیدی
رغب	خنثی (وابسته به متعلق آن)	ندارد (یک حالت نفسانی حاضر است)	ندارد (خود یک انگیزه است، نه یک آرزو)	خیر	میل پایه‌ای و زیرساختی، موتور محرک همه آرزوها
رجاء	مثبت	متوسط	ممکن	خیر	مفهوم کانونی، امید متعادل و مسئولانه در همنشینی با خوف
طمع	مثبت/منفی	نزدیک	ممکن	خیر	اشتیاق شدید دوجبه‌ای، با مؤلفه فوریت و شدت
أمل	مثبت/منفی (وابسته به سیاق و متعلق)	متغیر (دور در سیاق منفی/ اخروی در سیاق مثبت)	ممکن	خیر	آرزوی سیاق‌محور، با مؤلفه امتداد زمانی و غفلت‌آوری احتمالی
تمنی	خنثی (وابسته به متعلق آرزو)	متغیر (می‌تواند نزدیک یا دور باشد)	ممکن/احال (دارای گسترده‌ترین طیف)	آری (با «لیت») (مشخصه ذاتی و ممیزه)	آرزوی اظهاری بدون پشتوانه عمل، با مؤلفه تصویرسازی ذهنی

آمنیه / آمانی	خنثی (وابسته به متعلق آرزو)	متغیر (می تواند نزدیک یا دور باشد)	ممکن / محال (دارای گسترده ترین طیف)	آری (مشخصه ذاتی و ممیزه)	شکل مبالغه آمیز تمنی، با تأکید بر ثبات و رسوخ در ذهن
سؤل	خنثی (وابسته به محتوای درخواست)	ندارد (یک خواسته حاضر و ابراز شده است)	ممکن (یک خواسته قابل برآورده شدن)	آری (مشخصه ذاتی و تعریف کننده)	نمود عینی و اظهار شده آرزو، با مؤلفه درخواست از دیگری

۶. نتیجه گیری

گرفته اند: «طمع» با مؤلفه شدت و فوریت، «امل» با سیاق محوری و غفلت آوری، «تمنی» و «آمنیه» با مؤلفه اظهار لفظی و تصویرپردازی ذهنی بدون پشتوانه عمل، و «سؤل» با مؤلفه درخواست عینی از دیگری.

ب) دستاورد محتوایی و دلالت شناسی: این ساختار سلسله مراتبی، فراتر از یک دسته بندی واژگانی، پرده از دقت حکیمانه کاربرست مفاهیم در قرآن برمی دارد. کاربرد این واژگان در بافت های مختلف، نه حاصل گزینش تصادفی، بلکه مبتنی بر شبکه ای از معانی دقیق و متمایز است. این یافته افزون بر نمایاندن جلوه ای از اعجاز لغوی قرآن، الگویی برای تحلیل مفاهیم اخلاقی قرآن در چارچوبی نظام مند ارائه می دهد و نشان می دهد که سیر تربیتی مؤمن، حرکتی است از میل زیرساختی (رغب) به سوی امید متعادل و همراه با مسئولیت (رجاء).

کاربست چارچوب معناشناسی ساختاری بر میدان واژگانی «امید و رجاء» در قرآن کریم، به کشف یک نظام سلسله مراتبی و مبتنی بر روابط انجامید که مهم ترین دستاوردهای آن به شرح زیر است:

الف) دستاورد ساختاری: تحلیل روابط هم نشینی، جانشینی و تقابل میان هفت واژه کلیدی این حوزه نشان داد که این واژگان صرفاً مترادف نیستند، بلکه هریک با مؤلفه های معنایی اختصاصی خود، جایگاهی معین در یک شبکه نظام مند را اشغال کرده اند. «رغب» به عنوان میل زیرساختی و موتور محرک، منشأ همه آرزوهاست. «رجاء» به عنوان مفهوم کانونی، نمایانگر امید متعادل و مسئولانه ای است که در هم نشینی دائمی با «خوف» معنا می یابد. سایر واژگان نیز هریک در قطب های خاص این شبکه جای

References

The Holy Quran

Ibn Shu'bah Harrani, Hassan ibn Ali, Tuhf al-'Uqol, Jamiat al-Mudrassin, Qom, second edition, 1404 AH.

Ibn Faris, Abu Hussein, Mu'ajam al-Maq'ees al-Laghah, Maktaba al-Islam al-Islami, Qom, 1404 AH.

Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram, Lisan al-Arab, Taqiq al-Ali Shiri, Dar Ihya al-Turat al-Arabi, Beirut, 1413 AH.

Azhari, Abu Mansur Muhammad ibn Ahmad, Tahdhib al-Laghah, Bina, Bija, Bita.

Izutsu, Toshihiko, God and Man in the Quran, translated by Ahmad Aram, Islamic Culture Publishing House, Tehran, 1373 AH.

Baqeri, Mehri, Introduction to Linguistics, Tabriz University, third edition, 1374 AH.

Tamimi Ammadi, Abd al-Wahed bin Muhammad, Gharr al-Hakam wa Darr al-Kalam, Dar al-Kitab al-Islami, Qom, second edition, 1410 AH.

Jazairi, Noor al-Din Muhammad ibn Abd Allah, Faruq al-Lawaq fi al-Tammeez between the contents of the words, corrected by Muhammad

Rizwan Dayeh, Al-Makhsariya Al-Thaqafiya for the Islamic Republic of Iran, Syria, first edition, 1407 AH.

Javadi Amoli, Abdullah, Tafsir Tasnim, edited by Saeed Bandali, volume 11, Isra Institute, Qom, second edition, 1387.

Johari, Ismail bin Hammad, Sahaha: Taj al-Lagha and Sahaha al-Arabiyya, Dar al-Alam, Beirut, 1404 AH.

Ragheb Isfahani, Hussein bin Muhammad, Al-Mufradat fi Gharib al-Quran, Research by Safwan Adnan Davudi, Dar al-Ilm, Damascus, First edition, 1412 AH.

Rahbari, Fatima and Rostamian, Marzieh, Semantics ff the wrrd rrjj a" in the Qrr nn bssdd nn the relations of association and succession, Semantic research on literary texts, 1404 AH, Volume 3, Issue 2.

Zamakhshari, Mahmoud bin Omar, Al-Kashaf, Dar al-Kitab al-Arabi, Beirut, 1407 AH.

Zainali Behzadan, Farhad, Semantics of the words aamiii " nnd oomnihhhh" in tee tttt ttt ff the verses of the Holy Quran, Religious research, Fall and Winter 2010, Issue 41.

- Tabatabaei, Seyyed Muhammad Hussein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran, Jamia al-Modaresin Qom, 1417 AH.
- Tabarsi, Fazl Bin Hasan, Majmam Bayan, Nasser Khosrow Publishing House, Tehran, 1376.
- Askari, Hassan bin Abdullah (Abuhlal), al-Frooq fi al-Lagha, Dar al-Afaq al-Jadidah, Lebanon, 1400 A.H.
- Gharnati, Muhammad bin Yusuf (Abuhian), Al-Bahr al-Hasaf fi al-Tafsir, Dar al-Fikr, Beirut, 1412 AH.
- Fakhr al-Din Razi, Muhammad bin Umar, al-Tafsir al-Kabir: Mafiyat al-Gheeb, Dar al-Katb Al-Alamiya, Beirut, 1413 AH.
- Farahidi, Khalil bin Ahmad, Kitab al-Ain, Hajar Publications, Qom, second edition, 1410 AH.
- Farzam, Zahra, Mahdavi, Muhammad Reza, The Terminology of Greed from the Perspective of the Quran and Hadith, Encyclopedia of Quranic and Hadith Sciences, Fall and Winter 96, Year 4, Issue 8.
- Firouzabadi, Majdaluddin, Al-Qamus Al-Muhit, Dar Ihya Al-Turaht Al-Arabi, Beirut, 1412 AH.
- Fayumi, Ahmad bin Muhammad, Al-Misbah Al-Munir, Dar Al-Hijrah, Qom, 1405 AH.
- Qaemi-Niya, Ali Reza, Semantics (1), Hawza and University Research Center, Qom, First Edition, 1399 AH.
- Qomi, Abbas, Mafatih Al-Jinan, Fatima Al-Zahraa Publications, Qom, First Edition, 1381 AH.
- Kafvi, Abu Al-Baq, Al-Kll iyyt , aa s'at Al-Risalat, Beirut, 1412 AH.
- Kulani-Razi, Muhammad ibn Yaqub, Al-Kafi, Dar al-Kuttub al-Islamiyyah, Tehran, fourth edition, 1986.
- Center for Culture and Education of the Quran, Dictionary of Analysis of Similar Words in the Quran, a group of authors, Research Institute of Islamic Sciences and Culture, Tehran, first edition, 1998.
- Mostafawi, Hassan, Investigation of the Words of the Quran, Ministry of Culture and Guidance, Tehran, 1995.
- Makarem-Shirazi, Nasser, Tafsir al-Numno, Dar al-Kuttub al-Islamiyyah, Tehran, tenth edition, 1992.

